گزارشهای محرمانه مربوط به دوره مشروطیت از مجموعه خطی ثقفی اعزاز

انصاری، علی اکبر

محرک شیرازی‏ها تحقیقا آقای شعاع- السلطنه است.توسط اجلال الدوله و صفدر میرزا دستور العملی میدهد مشار الدوله و معتمد دیوان اسباب کار را فراهم مینمایند.

تمام مخارج این چند روز بتوسط صفدر میرزا بحضرات رسیده است.فرش و اسباب از خانه‏ مشار الدوله آورده‏اند بجهرم و به دهات خریداری‏ مشار الدوله و کسانش نوشته‏اند جمعیت بفرستند شیراز که در بلوا حاضر باشند.امروز تلگرافی‏ برای حضرات شیرازیها رسیده است.اولیم‏ انگلیسی که قوام الملک الواط را محرک شده‏ است،بنای آشوب و شرارت داده‏اند.الساعه‏ ما محصوریم و اطراف ما تیر و تفنگ میشود. دیروز عصر بعد از آنکه از احضار قوام الملک‏ مطمئن شدند،بعضی از شیرازیها خواستند از مجلس مراجعت کنند،بعضی گفتند ماها و عراقی‏ها و شاهسون بغدادی آمده‏ایم تا کار آنها اصلاح شود.ماها از مجلس حرکت نمیکنیم. ولی امروز صبح از مجلس خارج شدند،عصر هم بعد از رسیدن تلگراف انگلیسی،رفته‏اند بمنزل‏ آقا سید محمد.تا معلوم شود آنجا چه مذاکره‏ کرده‏اند.احتمال کلی میرود بعد از رسیدن‏ این خبر مجددا بمجلس معاودت کنند یا جای‏ دیگر متحصن شوند.

\*\*\*

یوم پنجشنبه 29 محرم الحرام

چندین شب نامه‏های فراوان دو سه رقم‏ چاپ زدند روی یک صفحه کاغذ و ابتدای صفحه‏ را هم یک نقشه تابوت کشیدند یک آدمی هم‏ توی تابوت خوابیده و یک دسته شش لول بدست‏ گرفته بروی آن کسیکه در تابوت خوابیده اشاره‏ کرده است که بکشد و بعد از این ترتیبات علما را و آقایان را کلیه تحدید(تهدید)کرده است‏ خطاب بوزرا خیلی بد گفته است.

و باز بآقایان نوشته که تکلیف با شما و این وزرای خائن چیست که نمیگذارند رأی‏ ملوکانه سلطان بیک صراط مستقیم بماند و هر روز اسباب چینی بیک قسمی مینمایند که رأی‏ ملوکانه شاه منحرف بشود و مجلس را بهم بزند. آخرش نوشته است خطاب بشاه که یقین بدان‏ تا جان داریم دست بردار نیستیم و حاضریم‏ و خیلی تهدید کرده است.

همهمه و شورش سختی در میان مردم است که‏ کار خیلی بد شده است و امروز سخت است شاه‏ هم دست بردار نیست و حکما خونها ریخته‏ میشود مردم بکشتن خواهند رفت خیلی مردم را ترس گرفته است،و اغلب مردم دو سه روز است‏ که تهیه آذوقه برای خانه‏های خود میگیرند نایب السلطنه هم که استعفا دادند و قبول نشده‏ است و در میان مردم شهرتی گرفته است که‏ نایب السلطنه استعفا دادند و فرمانفرما پول زیاد داده است که سپهسالاری را بگیردو اما شاه‏ قبول نکردند.اطلاعا عرض شد،عبد الوهاب.

\*\*\*

یوم سه‏شنبه 7 ذی حجه الحرام

در منزل آقا سید محمد پسر مرحوم آقا سید علی اکبر جماعتی آنجا بودند صحبت شد از این‏که نصر السلطنه را شاه میخواست بکشد. یکصد هزار تومان خون خودش را خرید.شاه هم‏ پولها را گرفت،چند روزی دیگر لابد یک ترتیبی‏ خواهد چید و پولها میگیرد از اینها و قرض شاه را هم‏ خودش میدهد.ابدا زیر این‏بار نمیرود که این پول‏ ملت،جمع شوند هر نفری یک تومان دو تومان‏ بدهد.آقا سید محمد گفتند در چند روز قبل‏ از خانه امیر بهادر در چهار اراده توپ بیرون‏ آوردند.امیر بهادر خیالها داشت.آقا شیخ‏ علی اکبر گفتند خداوند انشاء الله که روزبروز بر عمر و عزت و اقبال این وجود مقدس ملوکانه- اش بیفزاید.عجب سلطانیست خداوند بما عنایت فرموده باید قدر این سلطان را بدانیم‏ که نعمت کاملی است برای رعیت.انشاء الله‏ مخربین و منافقین دولت ذلیل میشوند.آقا سید محمد گفتند که آقا سید جمال تمام این‏ مردم را که عوام هستند از راه بیرون برده‏ ایران را هرج‏ومرج کرده،مردم را از راه بدر برده آقا سید محمد گفتند بگمان خودشان میرسد که باین ترتیبات دولت منهدم میشود و از میان‏ میرود.دیگر نمیدانند که منتهای عمل اینها تا بعد از ماه صفر میباشد و سلطنت شریک بردار نمیشود.

"اطلاعا"عرض شد عبد الوهاب.

\*\*\* تصدقت شوم میدانید اینچنین کلمه‏ معروضه را در چه حالست که عرض میکند:هر دو چشمم در نهایت شدت درد میکند.سه‏ مریض بستری بیخ گوشم مینالند باقی که بر پایند حالت خود چاکر را دارند.ناچار بعد از ده روز برای آنکه فراموش نشوم و خاطر مبارک از حالم مستحضر باشد،جسته گریخته‏ هر قدر توانست عرض کرد...

چند نفر از گماشتگان حضرت امین الدوله‏ در مسجد سپهسالار روز غره شوال با یکدیگر میگفتند:آقا فرموده حکومت وزیر مخصوص‏ برای ممالکی خوبست که اهالی آنجا اهل تربیت‏ و دانشند.یکنفر کوتاه قد قطور که او را منشی‏ باشی میگفتند،گفت:امروز در این مملکت‏ گذشته از وزیر مخصوص هرکس حکومت داشته‏ باشد غلط است و از عهدهء دیگری برنمیآید.

اعلیحضرت وجود شعاع السلطنه را از وجود وزیر مخصوص دارند.اشخاص چند نفر از شیراز بقصد هلاک شاهزاده بطهران آمده بودند چه رسد در خود شیراز هرگاه حضرت وزیر تدبیر، در توقف خود بشیراز نفرمود.اتابک شاهزاده‏ را از حضرت معصومه عودت بتهران نداده بود با آنکه در نهایت عداوت بود.اتابک با وزیر و حضرتش را محض عداوتیکه داشت بشیراز انداخت که عاقبت ایشان را بشر فرماید. خداوند او را و همه کس را تأیید فرمود،او را پرتاب کردند.یکنفر دیگر از نوکرهای امین‏ گفت:میرزا اسمعیل خان سرتیپ از ابتدای‏ حکومت نیر الدوله مکاتبت کرد که بعد از سی سال‏ زحمات فوق طاقت من که محله را آباد کردم، فلان در حالی که حق ندارد آمده محاذی‏ دکاکین من دکاکین احداث کرده بعد از یکسال‏ نیر الدوله باسمعیل خان حضورا اظهار کرده‏ که از من چه بر میآید در حق مدعی تو؟و اسمعیل خان مکرر بالمشافهه حرفهای سخت و هتاکیهای شدید کرده.حضرت والا نایب السلطنه‏ هم با اسمعیل خان همراهی کرد و حکم فرمود که مدعی اسمعیل خان دکاکین خود را ببندد، دائر نباشد،بجائی نکشید.

همین اسمعیل خان دو مرتبه خدمت‏ وزیر مخصوص رفته مراتب را بشرفعرض مبارکشان‏ رسانید.خود وزیر فوری صنف را خواسته، تحقیقات صنفی فرموده،فوری بدون ملاحظه‏ حکم دادند دکاکین طرف را مطابق تصدیقات‏ آنها بسته دیگری گفت حکم فرمود بکلی خراب‏ کردند-امید که خداوند بآنحضرت اجر عمر کامل و عزم شامل عنایت فرمایدکه اعمال و افعال‏ بزرگ حضرت اجل را سرمشق حکام نمایند.

علی اکبر انصاری

-گزارشهای محرمانه از مجموعه خطی و منحصربه‏فرد آقای حسین نقفی اعزاز نقل شده است.

بقیه از صفحه 767

زنده شده و شکایت از من کرده ولی پس از آنکه از متصدیان مربوطه توضیح خواستم معلوم‏ شد این دسته گل را جنابعالی بآب داده‏اید؟ مکالمه تلفونی مرحوم آهی و مرآت خیلی‏ طولانی شد و بسیار مرحوم آهی خندید. گرچه آنچه را مرآت میگفت من نمی‏شنیدم ولی‏ از گفته‏های این طرف بخوبی معلوم بود که شیرین‏ کاری فرهنگستان خیلی بیشتر از کمینهء بهاء است باری مرحوم آهی روی کلمات کمینهء بهاء را قلم کشید و بجای آن حداقل قیمت گذاشت‏ و سابقه را بمن داد که بدهم دوباره پاکنویس‏ کنند و فرمودند من بعد نامه‏هائی که من باید امضاء کنم همان الفاظی را که سابقا متداول‏ بوده استعمال کنید و کار بکتابچه نداشته باشید دیگر از آن روز واقعا نفس راحتی کشیدم و تهیه گزارشها و نامه‏ها آسان شد-و واژه‏های‏ جدیدی که تناسب نداشت خودبخود فراموش‏ گردید.

یادآوری این خاطره بسبب مقالاتی بود که دیدم اخیرا در جراید راجع بزبان فارسی‏ نوشته شده و نوآوران را از بازگو کردن واژه‏های‏ من در آوردی از قبیل(رسانه‏های گروهی) بجای(وسائل ارتباطجمعی)که حقیقه خیلی‏ مسخره‏تر از(کمینهء بهاء)بجای(حداقل قیمت) است بر حذر داشته‏اند.